



## سمت گیری پژوهش های فصلنامه نگین و پژوهش نامه دفاع مقدس در گفت و گو با دکتر حسین اردستانی

تهیه و تنظیم: محمدجواد اکبرپور بازرگانی\*

<p>مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در زمینه جنگ ایران و عراق آثار متعدد و متنوعی را منتشر کرده است. مشخصه آثار مرکز، اتکا و استناد به اسنادی است که تاریخ نگاران و راویان صحنه نبرد گردآوری کرده اند. مرکز علاوه بر تولید آثار پژوهشی و گردآوری و احیای اسناد دست اول جنگ، فصلنامه های تاریخ جنگ، نگین ایران و پژوهش نامه دفاع مقدس، و ماهنامه نگاه را نیز در کارنامه خود دارد.</p> <p>متن پیش رو مصاحبه با آقای دکتر حسین اردستانی تاریخ نگار و راوی مرکز در دوران جنگ تحمیلی و مسئول کنونی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و سردبیر فصلنامه نگین ایران می باشد. در این گفت و گو، ایشان درباره فصلنامه های مرکز و به طور خاص، فصلنامه نگین ایران به پرسش های گروه پژوهش فصلنامه پاسخ گفته است.</p>	<h3>چکیده</h3>
---	----------------

دکتر حسین اردستانی: بسم الله الرحمن الرحيم. پایان جنگ تحمیلی، آغاز دوره جدیدی در فعالیت علمی و پژوهشی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به شمار می آید. نام قبلی مرکز، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ بوده است. وقتی جنگ به پایان رسید، برای اعضای اصلی مرکز؛ یعنی راویان و تاریخ نگاران جنگ، این سؤال پیش آمد که "در آینده چه باید کرد؟"

**ضرورت تداوم مستندنگاری در حوزه تاریخ جنگ**  
سؤال: همان طور که مستحضربید، تاکنون مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سابق و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس فعلی، اقدام به چاپ چهار نشریه در حوزه دفاع مقدس کرده است. به عنوان نخستین سؤال، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با درک چه ضرورتی، با چه رویکردی و از چه تاریخی تصمیم گرفت وارد حوزه نشریات و مجلات شود؟

\* کارشناس ارشد علوم سیاسی و کارشناس گروه مطالعات نظامی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال چهاردهم □ شماره پنجاه و چهارم □ پاییز ۱۳۹۴

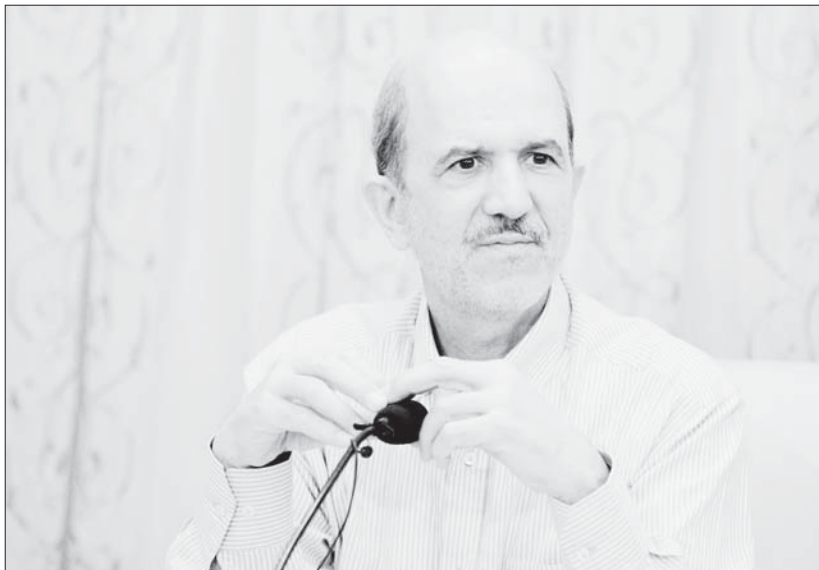
از سپاه رفت و در بخش خصوصی مشغول شد. آقای محمد درودیان هم پس از جنگ به ستاد کل نیروهای مسلح رفت. خود بنده بنا به دلایلی، سال ۱۳۷۰؛ برای تحصیلات دانشگاهی از مرکز رفتم و شاید چهار، پنج سال هیچ‌گونه فعالیتی با مرکز نداشتم. اما از سال ۱۳۷۵ به بعد، با کتب روزشمار به مرکز وصل شدم.

بنابراین، ملاحظه می‌کنید با مسامحه می‌توانیم بگوییم که سی‌الی‌چهل درصد از راویان و تاریخ‌نگاران مرکز مطالعات باقی ماندند. این درصدی که عرض کردم، بلافاصله جدا نشدند و دو‌الی‌سه سال پس از جنگ هنوز حضور داشتند و اعضای اصلی مرکز مانند آقایان محسن رشید، هادی نخعی، بنده، محمد درودیان، مجید مختاری، علی لطف‌الله‌زادگان، مجید نداف، جواد زمانزاده، داوود رنجبر، محسن رخصت‌طلب، مهدی انصاری و آقای ظریفیان هنوز حضور داشتیم و با این توان به بازتعریف اینکه چه باید کرد، پرداختیم.

یک نکته دیگر که نباید نادیده بگیریم این بود که راویان مرکز دو دسته بودند: دسته نخست راویان، از نیروهای دفتر سیاسی سپاه بودند که پس از انتصاب محسن رضایی به فرماندهی کل سپاه، در سال ۱۳۶۰، تشکیل شده بود. بخشی از این نیروها عضو بخش تاریخ جنگ دفتر سیاسی بودند که وظیفه ثبت و ضبط حوادث جنگ را برعهده داشتند و بخش دیگر، اعضای بخش‌های دیگر دفتر سیاسی بودند که در عملیات‌ها، به‌همراه راویان بخش تاریخ جنگ دفتر سیاسی در صحنه نبرد حاضر می‌شدند. دسته دوم نیز پس از انفکاک دفتر سیاسی سپاه در اوایل سال ۱۳۶۳ و تغییر آن به مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، وارد مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ شدند.

این مسئله از آنجا نشئت می‌گرفت که پس از پایان جنگ، در میان بعضی از بچه‌های جنگ و به‌خصوص در بخش‌های مختلف سپاه، جوی به وجود آمد به این صورت که "جنگ تمام شده و دیگر به ما نیازی نیست، برویم دنبال کار و زندگی قبل از جنگ." و تحت‌تأثیر این موضوع، این سؤال وجود داشت که ما بعد از جنگ چه کاره‌ایم؟ حتی محسن رضایی فرمانده کل سپاه در دوران جنگ، این موضوع را به حضرت امام منتقل کرده و امام به ایشان فرموده بودند: انقلاب و نظام همواره به شما نیاز دارد و شما سپر دفاعی کشور هستید و شماها باید در سپاه باشید و سپاه باید همچون گذشته، با قوت و صلابت بیشتر نقش خود را در حفظ انقلاب و کشور ایفا کند.

این مسئله به‌شکل دیگری در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ وجود داشت و حتی باعث شد که بعضی از راویان مرکز پس از پایان دفاع مقدس، با این استدلال که جنگ تمام شده و ما دیگر کاری نداریم، از مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ بروند و حتی از سپاه پاسداران جدا شدند و وارد دانشگاه و مشاغل دیگر شدند. در پی این انفکاک، حدود ۴۰ درصد از کادر سابق در مرکز باقی ماندند. برخی مانند آقای هادی نخعی همواره - تا دو سال اخیر که دچار عارضه نشده بودند - در مرکز کار می‌کردند. آقای ظریفیان عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر شدند. حتی آقای حسین شریعتمداری که عضو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ نبودند، اما عضو دفتر سیاسی بودند و به‌نوعی با مرکز ارتباط داشتند، به روزنامه کیهان رفتند. آقای محمدزاده که مسئول و مؤسس دفتر سیاسی و مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ بود، به کل،



دکتر حسین اردستانی، مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

**سؤال:** با توجه به اظهارات شما به عنوان ریاست مرکز در مصاحبه با رسانه‌های دیگر و صحبت‌های امروز شما، برداشت من این است که شما، همچنان که بارها فرموده‌اید، راویان حاضر در کنار فرماندهان و اسنادی که آنان در صحنه نبرد جمع‌آوری کرده‌اند را دور رکن کلیدی مرکز می‌دانید که این دور رکن، پس از جنگ با یک سؤال و چالش جدی روبه‌رو شد و با خاتمه جنگ، در صدد بازتعریف خود متناسب با وضع جدید برآمد.

دکتر اردستانی: این مقدمات را گفتم برای اینکه درک بکنیم که مرکز با چه توانی به مسئله اینکه "پس از جنگ چه باید کرد" ورود کرد. برای بررسی این مسئله نخستین سؤال این بود که ما به چه علت به عنوان تاریخ‌نگار وارد جنگ شدیم و در کنار فرماندهان صحنه نبرد به ثبت و ضبط حوادث جنگ پرداختیم؟ در پاسخ به این پرسش، ما که خودمان را تاریخ‌نگار می‌دانستیم، معتقد بودیم در مرحله اول برای ثبت و ضبط وقایع جنگ و جلوگیری از تحریف تاریخ جنگ وارد این حوزه شده‌ایم. در این زمینه، ما در یک دوره هشت‌ساله حضور میدانی داشتیم و

به صورت میدانی، در کنار فرماندهان داده‌های تاریخی را جمع‌آوری می‌کردیم. این جمع‌آوری با سازوکارهای مشخص به‌طور گسترده شامل ضبط جلسات و مشروح مذاکرات فرماندهان، مصاحبه با فرماندهان، یادداشت مسائل و مشاهدات در دفتر راوی، درج تحلیل‌های راوی و جمع‌آوری اسناد می‌شد. پس از عملیات نیز با فرماندهان در مورد جزئیات عملیات از ابتدا تا انتها گفت‌وگو می‌شد. سپس راوی این نوارها را پشت‌نویسی می‌کرد و نوارها برای تحویل به بانک مخزن در تهران ارسال می‌شد. در این مرحله، راوی بر مبنای دفاتر و نوارها، گزارش عملیات را تهیه و تنظیم می‌کرد. این نخستین مرحله جلوگیری از بروز تحریف در تاریخ جنگ بود. مرحله دوم، انتقال و انعکاس رویدادها و حوادث جنگ به آیندگان بود. بر این اساس، ابتدا تلاش مرکز روی بخش اسناد جنگ متمرکز شد و در گام نخست، گروهی متشکل از آقایان جواد زمان‌زاده، مجید نداد و محسن رخصت‌طلب مأمور سازماندهی اسناد شدند. در گام بعد، گروه دیگری برای

نبود. در چنین وضعیتی، مرکز مطالعات در پاسخ به "نگاه چه باید کرد" اقدام به انتشار فصلنامه تاریخ جنگ کرد. با این کار هم چرخه تولید مستمر آثار مرکز ادامه می‌یافت و هم مسئله جنگ برای فرماندهان به صورت مسئله جاری درمی‌آمد تا به فراموشی سپرده نشود. وقتی نشریه مرکز دائم روی میز فرماندهان قرار می‌گرفت، اصلی بودن موضوع جنگ هم در ذهن فرماندهان حفظ می‌شد و مرکز هم می‌توانست از حمایت‌های معنوی فرماندهی و ساختاری سپاه برخوردار شود.

به‌طور کلی، در بررسی حوزه مطبوعات و نشریات نکته قابل توجه این است که نشریات هم دارای اهداف ذاتی‌اند و هم اهداف ابزاری؛ هدف ذاتی مرکز در ورود به حوزه نشریات، همان وظیفه اصلی مرکز در حوزه پژوهش‌های تاریخ جنگ بود، و در کنار آن، هدف ابزاری مرکز، نفوذ معنوی و ساختاری در سپاه بود. این توضیحات، مرکز با محوریت آقایان محسن رشید و مجید مختاری تصمیم گرفت نشریه تاریخ جنگ را منتشر کند که اتکای اصلی آن به مقالات راویان باقی‌مانده در مرکز بود و در این نشریه به داشته‌ها و گزارش عملیات‌های خودمان متکی بودیم. مجله تاریخ جنگ در سطح عمومی انتشار نمی‌یافت. اساساً کلیه نشریاتی که تاکنون مرکز منتشر کرده، در سطح فرماندهان بوده است. هر شماره از فصلنامه تاریخ جنگ حدود ۸۰ الی ۱۰۰ صفحه مشتمل بر ۴، ۵ مقاله تألیفی و یک پیاپی‌نوار و یک گزارش عملیات از صحنه نبرد بوده است. انتشار مجله تاریخ جنگ در پاییز ۱۳۷۰ آغاز شد و پس از انتشار ۱۷ شماره، در زمستان ۱۳۷۶ متوقف شد.

احیای اسناد و بازایی منابع تشکیل شد. در این مرحله، میزان قابل توجهی از نوارهای ضبط‌شده در صحنه‌های نبرد طی یک روند بسیار تخصصی، پیاده‌سازی، تایپ و صحافی شد. پس از سازماندهی بخش اسناد، مرکز در بخش پژوهش فعال شد. در این مرحله، راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تکمیل گزارش عملیات‌های ناتمام و تدوین گزارش‌های نوشته‌نشده را دنبال کردند. علاوه بر این، مرکز روی تولید کتاب برای جامعه متمرکز شد و کتاب‌هایی مانند: روزشمار، اطلس، کتاب‌های موضوعی و آثار مرتبط با روند جنگ را منتشر کرد. همچنین، مرکز تصمیم گرفت با انتشار فصلنامه‌های تخصصی به حوزه نشریات هم وارد شود.

### انتشار مجله تاریخ جنگ تلاشی جهت اصلی کردن مسئله جنگ برای فرماندهان

سؤال: همان‌طور که می‌دانید، فصلنامه تاریخ جنگ ایران و عراق، نخستین نشریه تخصصی است که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ آن را منتشر کرده است. این فصلنامه با چه رویکردی و در چه سطحی منتشر می‌شد و تا چه شماره‌ای انتشار آن ادامه یافت؟  
دکتر اردستانی: اولین شماره تاریخ جنگ در پاییز سال ۱۳۷۰ منتشر شد. آن زمان در کشور تعداد نشریات زیاد نبود؛ یعنی اگر امروز شما مثلاً ۱۰۰ فصلنامه می‌بینید، آن موقع شاید ۲۰ فصلنامه هم

دکتر حسین اردستانی: با انتشار فصلنامه تاریخ جنگ، هم چرخه تولید مستمر آثار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ادامه می‌یافت و هم مسئله جنگ برای فرماندهان به صورت مسئله جاری درمی‌آمد تا به فراموشی سپرده نشود.

## انتشار فصلنامه نگاه و فاصله گرفتن از حوزه تاریخ جنگ

سؤال: مجله دیگری که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ پس از فصلنامه تاریخ جنگ، منتشر کرد، ماهنامه نگاه بود. این ماهنامه با چه رویکردی و در چه سطحی منتشر شد و انتشار آن تا چه شماره‌ای ادامه یافت؟

دکتر اردستانی: مجله نگاه با رویکرد دفاع مقدس منتشر نمی‌شد و مهم‌ترین علت انتشار آن این بود که مرکز به نوعی درصد تعریف خود در حوزه غیرجنگ هم بود. در این مجله، مسائل اساسی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با رویکرد راهبردی، امنیتی و سیاست خارجی که ربطی به جنگ ایران و عراق نداشت، مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت و در این مرحله، مرکز می‌خواست خلأ تاریخ جنگ را پر کند. به نظر من، عاملی که باعث شد مرکز به این سمت روی بیاورد، ضعف تولید پژوهشی در مرکز بود. این رویکرد تابع هدف ابزاری مرکز؛ یعنی جلب حمایت معنوی و مالی از ساختار سپاه که به آن نیاز داشت، انجام شد. از این رو، این بار مرکز با تغییر جهت‌گیری و توجه به مسائل و موضوعات روز، روی میز فرماندهان اعلام حضور کرد.

بدین ترتیب، سال ۱۳۷۵ که من معاون پژوهشی دانشکده فرماندهی و ستاد بودم، ماهنامه‌ای را برای دافوس طراحی کردم و با تلاش بنده، مرکز با تیم پژوهشی و اجرایی این نشریه به سپاه وصل شد. برای انجام‌دادن این کار با آقای مختاری هم صحبت کردم. پس از آن، مؤسسه اندیشه ناب اولین شماره نگاه را منتشر کرد. نخستین شماره این ماهنامه در فروردین ۱۳۷۹ منتشر شد. هر شماره این ماهنامه به‌طور تقریبی بین ۵۰ الی ۸۰ صفحه بود و آن طور که به یاد دارم، ۵۰

شماره منتشر شد و در نیمه نخست سال ۱۳۸۴، به دلیل ارتباط ضعیف با تاریخ‌نگاری جنگ، سخت‌نداشتن با وظایف ذاتی مرکز و تأخیر در چاپ به‌موقع، انتشار آن متوقف شد.

## فصلنامه نگین/ایران، بازگشت به وظیفه ذاتی مرکز در حوزه تاریخ‌نگاری جنگ

سؤال: مجله مهم مرکز که در زمینه جنگ ایران و عراق

منتشر می‌شود، نگین ایران است. این فصلنامه با چه هدفی راه‌اندازی شد و از نظر محتوا و ساختار چه تفاوتی با نشریات پیشین داشت؟ سطح انتشار این فصلنامه چگونه بود و چند شماره از آن منتشر شده است؟ دکتر اردستانی: بخشی از پاسخ به این پرسش، به درک واقعی از موضوع برمی‌گردد و بخش دیگر آن به حوزه

دکتر حسین اردستانی:  
انتشار فصلنامه نگین ایران با هدف پرداختن به تاریخ جنگ ایران و عراق وظیفه ذاتی و کارکرد اصلی مرکز بود.

تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری مربوط است و برای اینکه پاسخ دقیق‌تر و واقعی‌تری به این سؤال داده شود، باید به آقایان محسن رشید و مجید مختاری رجوع کنید. اما به نظر من، پس از آنکه مجله تاریخ جنگ با مقالات و گزارش‌های مستند خود توانست نظر بسیاری از فرماندهان سپاه را به خود جلب کند، توقف انتشار آن مرکز را با خلأ مواجه ساخت. در چنین وضعیتی، ماهنامه نگاه به نام مرکز چاپ می‌شد، ولی ارتباطی با ساختار، توانایی‌ها منابع و اهداف و تولیدات مورد انتظار از مرکز نداشت و نتوانست خلأ تاریخ

بیش از ۴۰ مقاله در مورد مواضع کشورها، نظام بین‌الملل، مسائل سازمان بین‌المللی و... مرتبط با جنگ ایران و عراق منتشر شده است.

در یک بررسی کلی، محتوای مندرج در فصلنامه تاریخ جنگ، متکی به توان داخلی مرکز بود. پس از آن، ماهنامه نگاه به مقالات بیرون از مرکز و خارج از توان و موضوعات مرکز نیز توجه کرد. با انتشار فصلنامه نگین، مرکز علاوه بر اینکه به وظیفه ذاتی خود؛ یعنی تاریخ‌نگاری جنگ پرداخت، از توان راویان و اسناد داخلی مرکز نیز استفاده کرد و اندکی هم به توان بیرونی نظر داشت. در دوره سردبیری آقای مختاری و دبیری آقای یزدانفام به‌نوعی نگاه دانشگاهی و تکیه به بیرون ادامه یافت؛ طوری که دوستانی مثل آقایان نخعی، درویشی و بنده، در شماره‌های این دوره، مقالاتی در مورد سیاست خارجی و موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی جنگ نوشتیم. در این دوره، در فرهنگ نفی تصدی‌گری پژوهشی مرکز مانند پروژه‌های پژوهشی، فصلنامه به‌طور کامل به یک مجری واگذار می‌شد و این مجری همه مراحل سفارش، ارزیابی مقالات و صفحه‌بندی را انجام می‌داد و نسخه نهایی را برای چاپ به مرکز ارسال می‌کرد. با اتخاذ این شیوه در تعامل مرکز با مؤسسه اندیشه ناب، ۸ شماره فصلنامه بدین شکل منتشر شد.

### دوره دوم فصلنامه نگین گرایش حداکثری به رویکرد تاریخ‌نگاری جنگ

پس از آن، آقای محمد درودیان از شماره ۹ تا ۲۳، سردبیر فصلنامه نگین ایران شد. با آمدن ایشان، تغییراتی در محتوای فصلنامه به وجود آمد. هرچقدر دوره اول نگین گرایش دانشگاهی داشت در دوره

جنگ را پر کند. این نیاز موجب شد آقایان محسن رشید و مجید مختاری پس از مشورت با بعضی دوستان، تصمیم بگیرند دوباره فصلنامه‌ای تخصصی در حوزه تاریخ جنگ عراق و ایران منتشر کنند. در مورد نام و محتوای فصلنامه با کارشناسان مرکز مشورت شد و سپس نشریه نگین منتشر گردید. اگر نظر من بود، نام نگین را روی این نشریه نمی‌گذاشتم، چون معتقدم نگین یک کلمه ادبی است و مربوط به حوزه ادبیات است؛ اگرچه نام مهم نیست و آنچه که در نشریه درج می‌شود مهم است.

انتشار فصلنامه نگین ایران با هدف پرداختن به تاریخ جنگ ایران و عراق وظیفه ذاتی و کارکرد اصلی مرکز بود. این فصلنامه خلأ حضور جدی مرکز در حوزه نشریات را به‌خوبی پر کرد و توانست حمایت ساختاری سپاه را جلب کرده و نفوذ معنوی مرکز را گسترش دهد. براین اساس، با گذشت ۱۳ سال از پایان جنگ، نخستین شماره فصلنامه نگین/ایران در تابستان ۱۳۸۱ منتشر شد.

### دوره اول فصلنامه نگین و گرایش حداکثری به رویکرد دانشگاهی

فصلنامه نگین از شماره ۱ تا ۶ تحت مدیریت و سردبیری آقای مجید مختاری بود و شماره‌های ۷ و ۸ آن با نام آقای یزدانفام منتشر شد. مهم‌ترین ویژگی این دوره از شماره‌های "فصلنامه نگین ایران" را می‌توان اتکای کمتر به منابع داخلی مرکز (اسناد، دفاتر راوی، گزارش عملیات‌ها و نوارها و...) دانست. در این دوره، به‌خصوص در دوره آقای یزدانفام سعی بر این بود در فصلنامه نگین، جنگ ایران و عراق با رویکرد دانشگاهی بررسی شود از این‌رو، اکثر مقالات این دوره را دانشجویان مقاطع فوق لیسانس و دکترا نوشته‌اند و به‌طور تقریبی، در این دوره





دکتر حسین اردستانی مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه نگین ایران

دفاع مقدس را در فصلنامه درج می‌کرد. به نوعی، آقای درودیان تاحدودی بازتر و خارج از عرف نشریه با مسائل برخورد می‌کرد؛ مثلاً اگر در روزنامه‌ها مطلبی را مناسب تشخیص می‌داد، آن را در فصلنامه منتشر می‌کرد. در این دوره، آقای درودیان گزارش عملیات‌های راویان مرکز را که اسناد دست اول جنگ به شمار می‌آمدند، با کمک آقای مجید نداف، که از اعضای اصلی گروهش بود، پس از پردازش اولیه، در فصلنامه چاپ می‌کرد. این دوره به وظایف ذاتی مرکز نزدیک‌تر است و ۱۵ الی ۱۶ شماره منتشر می‌شود.

### دوره سوم فصلنامه نگین و تعادل ظریف میان منابع درونی و بیرونی مرکز

در سال ۱۳۸۶ که بنده مسئول مرکز شدم، چندین بار با آقای درودیان صحبت کردم که کار خود را ادامه بدهد. در زمان مسئولیت من در مرکز هم ایشان دو، سه شماره نگین را منتشر کرد، اما اصرار ایشان

آقای درودیان، گرایش به وظیفه ذاتی مرکز بیشتر شد و درعین حال، سعی می‌شد به طور مطلق، از رویکرد دانشگاهی فاصله گرفته نشود. اما در این دوره رویکرد جدیدی در نظر گرفته شد و آن گفت‌وگو با فرماندهان در مورد مسائل و موضوعات مهم و کلیدی جنگ بود. آقای درودیان هم به دلیل اینکه تاریخ‌نگار و راوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء<sup>(ص)</sup> در زمان جنگ بود، توانایی گفت‌وگو با فرماندهان را داشت. همچنین به دلیل رابطه نزدیک آقای درودیان با سردار غلامعلی رشید و انگیزه آقای رشید برای این کار گفت‌وگوهای خوبی به کمک ایشان ترتیب داده شد. علاوه بر این، آقای درودیان می‌رفت و با فرماندهان جنگ مثل آقایان علی شمخانی، حسین علایی، عزیز جعفری و... در مورد مسائل و موضوعات مختلف گفت‌وگو می‌کرد؛ حتی یک مصاحبه اختصاصی با آقای هاشمی رفسنجانی انجام داد. آقای درودیان گفت‌وگوهای زیادی انجام داد و سخنرانی‌های فرماندهان عالی

درباره موضوعات تخصصی جنگ مطالبی منتشر شد؛ مثلاً یک شماره به عملکرد واحد توپخانه در جنگ اختصاص یافت، یک شماره به عملکرد واحد زرهی در جنگ و...

این روند در چند شماره ادامه یافت و متأسفانه به دلیل حوادثی که در سال ۱۳۸۸ رخ داد و وجود برخی دیدگاه های تنگ و جزئی نگر و نگرانی از ضربه خوردن مرکز، باوجودی که ما نمی خواستیم ایشان از سردبیری نگین کنار بروند، اما بنا به صلاح دید و نگرانی هایی که خود من داشتم، تعامل ما با آقای دکتر درویشی به چند شماره پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ محدود شد و حتی در دو، سه شماره نام ایشان را به عنوان سردبیر درج نکردیم و خودم به عنوان معاون مدیرمسئول ایفای نقش کردم. در یکی دو شماره هم نام خود را به عنوان سردبیر قید کردم، اما فصلنامه را دکتر درویشی تهیه کردند. پس از آن، آقای درویشی رفتند و الزاماً باید در نگین مدیریت جدید تجربه می شد.

#### دوره چهارم فصلنامه نگین و رویکرد تخصصی به حوزه های اسنادی و پژوهشی جنگ

در دوره چهارم، برای انتخاب مدیریت جدید فصلنامه بسیار فکر کردم. از یک سو، پس از انتخابات، با توجه به اتفاقاتی که افتاده بود، افرادی مثل آقایان رشید، مختاری و نداف، که از راویان قدیمی مرکز بودند، نمی توانستند باشند و یکی، دو نفر از راویانی که باقی مانده بودند هم توان لازم را نداشتند؛ از سوی دیگر، فصلنامه نگین به دلیل مقالات مستندی که منتشر می کرد، در میان فرماندهان و رزمندگان طرفداران

بر این بود که بالاخره تعیین تکلیف کنیم، ضمن اینکه چند بار هم اظهار کردند که من ۱۶ شماره فصلنامه را منتشر کرده ام و بهتر است فرد دیگری ادامه کار را انجام بدهد. از نظر من هم بهتر بود فرد جدیدی بیاید ادامه بدهد، چون با طولانی شدن دوره سردبیری ایشان، فصلنامه از پویایی و نوآوری فاصله می گرفت. و حسن فصلنامه نگین این بود که در هر دوره جدید، انگیزه جدیدی در آن دمیده می شد و فکر جدید و روش جدید موجب حفظ پویایی آن می شد. در چنین وضعیتی، من دنبال فردی بودم که او را به عنوان سردبیر انتخاب کنم؛ آقای دکتر درویشی به ذهنم رسید. ایشان راوی مرکز بود و در جنگ حضور داشت و تحصیلات دانشگاهی نیز داشت. آقای درویشی را آوردیم.

در دوره سوم، آقای درویشی از شماره ۲۴ تا شماره ۳۰ سردبیر فصلنامه نگین ایران شد. این دوره، تلفیق خوبی از همه رویکردهای پیشین بود؛ یعنی هم مقالات با صبغه علمی و دانشگاهی درج می شد و هم مقالات با صبغه تاریخ نگاری مرکز و تکیه به توان داخلی مرکز مورد توجه بود. گاهی نیز اسناد و گزارش های مرکز منتشر می شد. ایشان همچنین راه آقای درودیان را در گفت و گو و مصاحبه با فرماندهان ادامه داد، منتها ویژگی خاص این دوره این بود که در چند شماره

دکتر اردستانی: از شماره ۳۱، همه تلاش بنده این بود که وظیفه ذاتی مرکز؛ یعنی پژوهش مستقیم در تاریخ جنگ با استفاده از گزارش و دفاتر راویان به عنوان جنبه اصلی و اولویت فصلنامه نگین تقویت شود.



چه در مقالات اسنادی بروز یابد. با این ملاحظه که مقالات منتشرشده از مرکز مورد استناد قرار گیرد و از طرف دیگر، موضوعات چالش برانگیز جنگ را در این فصلنامه درج نکنیم. مثلاً وقتی در شماره ۲۱ یا ۲۲ درمورد سقوط فاو مطلبی درج شد، من مخالف صدرصد درج این گزارش بودم. هنوز هم در مرکز این گزارش محرمانه و بالاتر از محرمانه است، ولی آقای درودیان با حمایت سردار غلامعلی رشید این

گزارش را منتشر کرد، زیرا آقای رشید فرمانده جنگ بود و من در مقابل نظر ایشان، مخالفت نکردم. من مخالف چاپ بودم، اما وقتی سردار رشید نوشتند مانعی ندارد گفتم چاپ بشود. در دوره خودم محال است از این قبیل گزارش‌های مرکز در فصلنامه نگین چاپ شود، چون این گزارش‌ها جنبه‌های بسیار محرمانه

دارد و انتشار آن چیزی را حل نمی‌کند.

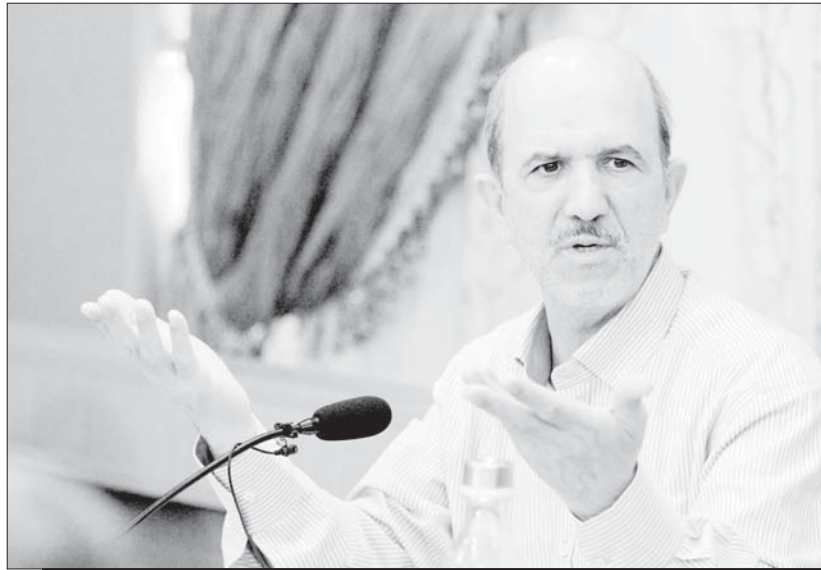
موضوع دیگر این بود که من سعی داشتم تا حد امکان، فصلنامه نگین ایران به سمت تخصصی شدن پیش برود؛ چه در حوزه پژوهش‌های تاریخ جنگ یا اسناد جنگ، و درج این مطالب بیشتر شود و تا می‌توانیم واقع‌نویسی درباره جنگ را بر مبنای مشاهدات راویان و اسناد آنان در این فصلنامه گسترش بدهیم. ما به ضعف‌ها و قوت‌های دوران دفاع مقدس می‌پردازیم، ولی مراقب حدود و خط قرمزها

بسیاری به دست آورده بود و این امر، انتظارات را از فصلنامه بالا برده بود. در سه دوره قبل نیز زحمات بسیار زیادی کشیده شده بود و هرچه پیش می‌رفت، انتظارات بیشتر می‌شد. برای خود من هم سخت بود که مسئولیت این کار را بپذیرم، چون خودم نمی‌توانستم درگیر بشوم و برای جایگزین کردن فرد دیگری نیز به جمع‌بندی نرسیدم. در نهایت، به‌ناچار، از شماره ۳۱، خود سردبیری فصلنامه نگین را پذیرفتم و کوشیدم تجربه‌های سردبیران گذشته فصلنامه نگین از دست نرود و محاسن آن بیش‌ازپیش تقویت شود، زیرا هیچ‌کسی نمی‌تواند همه محاسن را یکجا داشته باشد و همه محاسن در یک جا جمع نشده و هر دوره ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را دارد. هیچ‌گاه بنده نمی‌توانم کار آقای درودیان را با آن ظرافت و لطافت انجام بدهم یا کار آقای مختاری را با آن دقت و پختگی انجام بدهم، اما در من هم توانایی‌هایی بود که می‌توانست به شکل دیگری وارد دوره جدید فصلنامه نگین بشود و جاذبه، نفوذ و زیبایی‌های خودش را داشته باشد. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های من در انتشار فصلنامه نگین این بود که مقالات پژوهشی با رویکرد دانشگاهی به جنگ، که از قوت خوبی برخوردار بود، در فصلنامه منتشر گردد و از درج مقالات ضعیف از این دست اجتناب شود. علاوه‌براین، همان‌طور که در ابتدای عرایضم گفتم، همه تلاش بنده این بود که وظیفه ذاتی مرکز؛ یعنی پژوهش مستقیم در تاریخ جنگ با استفاده از گزارش و دفاتر راویان به‌عنوان جنبه اصلی و اولویت فصلنامه نگین تقویت شود. اما تأکید من این بود که باید توانایی‌های اصلی مرکز؛ چه در مقالات تألیفی و

**دکتر حسین اردستانی:**  
**درمورد عملکرد ارتش در**  
**دوران دفاع مقدس هر**  
**مطلبی را که در فصلنامه**  
**نگین منتشر کرده‌ایم**  
**دوستان ارتشی تندترین**  
**واکنش‌ها را نشان داده‌اند.**  
**من معتقدم "ارتش برای خود**  
**مقام عصمت قائل است."**

هستیم. ما حتی به مسائل چالشی هم پرداخته‌ایم. درزمینه انتشار واقعیات جنگ به ما اعتراض‌های بسیار شده است؛ مثلاً در یک مقاله شماره ۴۶ فصلنامه نگین ذیل مطلب تاریخ شفاهی آقای محسن رضایی، آقای شمخانی که در آن جلسه تاریخ شفاهی حضور داشتند، درباره عملکرد ارتش در جنگ صحبتی کرده بودند که برادران ارتش نامه‌نگاری و اعتراض کردند؛ درحالی‌که اصلاً هدف ما این نبوده و نیست که ارتش یا سپاه تضعیف شود، بلکه تاریخ جنگ ملاحظاتی دارد که هم سپاه باید اشتباهات و ضعف‌ها و بی‌تدبیری و... خودش را بپذیرد هم ارتش. در سال اول جنگ، سپاه یک وضعیتی دارد، ارتش وضعیت دیگری و در سال‌های پایانی جنگ، وضعیت به‌گونه‌ای دیگر است. مهم این است که همه باید از اشتباهاتشان درس بگیرند تا با رفع آنها، آینده بهتری پیش رو داشته باشند، نه اینکه گذشته بعضاً توأم با ضعف یک نهاد قوی جلوه داده شود و همان‌ها بشود پایه‌های آموزشی یا هویتی سازمان و وقتی بزنگاه دفاع از تمامیت ارضی و ارزش‌های ملی از نظام انقلاب اسلامی مطرح شد و بحران و جنگ درگرفت، آن زمان پی ببریم که به یک امر توخالی افتخار شده است. باید به‌گونه‌ای امور را پیش برد که به‌راحتی و به دور از جنجال بتوان یکدیگر را نقد کرد. ما این کار را درمورد عملکرد سپاه در دوران دفاع مقدس انجام داده‌ایم. گاه پیش آمده است که فرماندهان سپاه هم برخی مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه نگین یا کتاب‌های روزشمار مرکز را، که به‌صورت عمومی منتشر می‌شود، قبول ندارند و به آنها اعتراض می‌کنند، اما می‌دانند که قصد و غرضی

در کار نیست و مطالب درج‌شده جنبه پژوهشی و اسنادی دارد. در اینجا مایل هستیم به این موضوع اشاره کنم که ما به‌عنوان عضوی از سپاه که فصلنامه نگین را منتشر می‌کنیم، ضعف‌های سپاه را منصفانه می‌نویسیم، اما تابه‌حال، یک هشدار هم از سپاه نگرفته‌ایم، اما درمورد عملکرد ارتش در دوران دفاع مقدس هر مطلبی که منتشر کرده‌ایم دوستان ارتشی تندترین واکنش‌ها را نشان داده‌اند. این جمله شخص من است و من معتقد هستم "ارتش برای خود مقام عصمت قائل است" و همین روحیه، متأسفانه باعث می‌شود نتوانند آن‌طور که باید به توانایی‌های خود بیفزایند. مگر ما می‌توانیم به ارتش بی‌اعتنا باشیم! بیان ضعف‌ها در کنار قوت‌ها به‌معنای این نیست که ارتش تضعیف بشود. ارتش ما مدل کلاسیک ارتش امریکاست. ارتش امریکا ضعف‌های خود را در سطح وسیع به بحث و نقد می‌گذارد و ضعف‌هایش در گفت‌وگوهای چالشی بررسی می‌شود، اما ما یک کلمه می‌گوییم ارتش یک جا عقب آمده، یا ارتش در فلان عملیات شکست خورده، قیل‌وقال به راه می‌اندازند. ما انتقادهای تندتر از این را درباره عملکرد سپاه در مقالات فصلنامه منتشر کردیم. حالا در آینده نزدیک کتب تاریخ شفاهی مرکز منتشر می‌شود که در آن ضعف‌های ارتش و سپاه گفته شده است و باز هم مرکز مورد هجوم قرار خواهد گرفت. ما از روز اول که وارد این حوزه شدیم، برای هویت انقلاب اسلامی و حفظ تاریخ جنگ از تحریفات به‌عنوان راوی در کنار فرماندهان، تاریخ‌نگاری را شروع کردیم و تا امروز بر آن عهد خویش پایدار مانده‌ایم. ما نمی‌توانیم به دروغ مطلبی بنویسیم، گرچه همه راست‌ها را هم اگر به



دکتر حسین اردستانی راوی و تاریخ‌نگار جنگ ایران و عراق

تضعیف نظام بینجامد منتشر نمی‌کنیم. در دفا تر راویان، نوارهای مشروح مذاکرات فرماندهان موضوع دیگری که در دوره جدید به‌عنوان یک دغدغه اساسی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود، ضعف ساختاری فصلنامه نگین بود. نگین از دو بخش تشکیل شده است: یکی مباحث و مطالب با رویکرد دانشگاهی که چه‌بسا ارتباط غیرمستقیم با مقوله جنگ عراق و ایران داشته باشد و یک بخش دیگر مقالات درباره جنگ و عملیات‌ها و اسناد مرکز است. لذا سعی کردیم به‌سمت تخصصی‌شدن حرکت کنیم و

### تخصصی نمودن فصلنامه نگین ایران در پرتو

#### تمرکز بر موضوعات و مسائل اساسی جنگ

سؤال: برنامه جناب‌عالی به‌عنوان سردبیر فصلنامه نگین ایران برای شماره‌های آتی چیست؟ به‌خصوص اینکه در شماره‌های اخیر فصلنامه، موضوعات تخصصی جنگ کمتر کار شده و ویژه‌نامه‌های عملیات‌محور بیشتر مد نظر بوده، یا به عملکرد یگان‌ها و واحدهای تخصصی

از سال ۱۳۹۱ به این‌طرف، این حرکت شروع شد و در شماره‌های اخیر؛ یعنی شماره ۴۶ به بعد، شماره‌های فصلنامه به‌صورت تخصصی به یک موضوع دفاع مقدس اختصاص یافته است. حدود دو سال است که نگین به تدریج از میزان مقالات با رویکرد دانشگاهی کاسته و بر حجم مقالات راویان و اسناد جنگ افزوده است و از شماره‌های ۴۴ به این‌طرف، اتکای آن بیشتر به گزارش عملیات‌ها، مشاهدات صحنه نبرد

متکی باشد. اگر از این مهم غافل شد، چیز جدیدی جایگزین آن نمی‌شود و دچار کاستی و گسیختگی می‌شود. از این‌رو، آرزوی من این است که این چرخه در درون سپاه راه بیفتد و علاوه بر اینکه بین گذشته، حال و آینده سپاه ارتباط نسلی برقرار شود، هرکسی که می‌خواهد کار تخصصی کند، مطالب خود را برای مسئولان این فصلنامه بفرستد یا از مندرجات آن استفاده کند. ما قصد داریم این کار را با نیروهای داخل یا خارج از مرکز انجام بدهیم که البته کار بسیار سختی است. تلاش من این است از نسل جدید مرکز که در حال شکل‌گیری است برای پیشبرد این هدف استفاده کنم؛ لذا می‌کوشم آنان دید تخصصی پیدا بکنند و مقالات پخته و علمی بنویسند و صاحب‌قلم‌ها و راوی‌های مرکز نیز هرکدام سالی یک مقاله تخصصی درباره جنگ ایران و عراق به مرکز بدهند تا فصلنامه نگین بتواند در هر شماره، دو، سه مقاله خوب داشته باشد. چند گزارش مستند، سند و نوار مصاحبه منتشر شود و این موضوع بخشی از کار ما در آینده است. در این زمینه، انتشار اسناد مرکز شامل مذاکرات جنگ، که راویان در جلسات فرماندهان ثبت و ضبط کرده‌اند، و همچنین نوارهای مصاحبه راویان با فرماندهان، گزارش عملیات‌ها و دفاتر راویان مرکز در برنامه ما قرار دارد و فصلنامه تا بیش از یک دهه آینده، به راحتی می‌تواند شماره‌های جدید تخصصی منتشر کند.

نکته دوم، موضوعات و مسائل اساسی جنگ است که مرکز در طول سال‌های اخیر، به آن ورود کرده است؛ مثلاً مقطع پایانی جنگ، مهم‌ترین مقطع است که می‌توان در چند شماره با بررسی‌های عملیاتی -

سپاه، جهاد و بسیج پرداخته شده است. این اقدام با چه هدفی انجام می‌شود؟ آیا این روند ادامه خواهد یافت؟ دکتر اردستانی: نکته اول اینکه، آرزوی من این است که نگین یک مجله تخصصی جنگ ایران و عراق باشد که در هر شماره‌اش، یک یا دو مقاله کیفی اساسی درجه یک و همچنین دو مقاله درجه دو، ولی تخصصی درباره جنگ ایران و عراق نوشته شود که راهبردهای عملیاتی و راهبردهای نظامی را مورد توجه قرار دهد، زیرا نیروهای مسلح در ایران مثل کشورهای پیشرفته جهان نیست. در این کشورها، یک ستوان یا سروان، مقاله تخصصی نظامی در مجله تخصصی می‌نویسد، ولی ما در ایران، چنین نظامیانی در میان فرماندهان بزرگ ارتش و سپاه کم داریم یا نداریم. سردارانی مثل غلامعلی

رشید و سردار علایی هستند، ولی سایرین این‌گونه نیستند و در این زمینه خلأ وجود دارد. مجله نگین پیشانی سپاه پاسداران است و متأسفانه این ارتباط درون‌ساختاری برقرار نیست. به نظر بنده، هرکسی در سپاه در حوزه‌های تخصصی نظامی کار می‌کند، باید نیم‌نگاهی به جنگ ایران و عراق داشته باشد. اگر نداشته باشد، هویتش را از دست می‌دهد و سپاه بدون پشتوانه می‌شود. سپاهی موافق خواهد بود که به روش‌ها، توانمندی و تجربه‌های دفاع مقدس

برای این اینکه فصلنامه نگین در همه استان‌ها در دسترس فرماندهان و رزمندگان قرار گیرد، سایت فصلنامه نگین ایران را به آدرس [WWW.NEGINIRAN.IR](http://WWW.NEGINIRAN.IR) ایجاد کرده‌ایم و همه فایل‌های ۵۳ شماره منتشرشده فصلنامه نگین را از ابتدا تا به امروز، در آن بارگذاری کرده‌ایم.

سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، نجف و رمضان بررسی خواهد شد. درباره عملیات‌های مهم؛ به‌خصوص عملیات‌های تعیین‌کننده مانند بیت‌المقدس، والفجر ۸ و کربلای ۵ هم مطالبی انتشار خواهد یافت؛ چنان‌که درباره عملیات کربلای ۵ و قرارگاه کربلا، فصلنامه نگین مطالبی را منتشر کرد. در برخی شماره‌های نشریه نگین به موضوعات جاری کشور که با موضوع دفاع مقدس ارتباط دارد نیز پرداخته‌ایم؛ مثلاً در اسفند ۱۳۹۳، تصمیم گرفتیم کاروان‌های راهیان نور

را مورد مطالعه قرار دهیم. از همین رو، افرادی را به‌صورت میدانی به یادمان‌های پربازدید فرستادیم و به‌صورت میدانی به آسیب‌شناسی وضع موجود راهیان نور کشور پرداختیم که به‌زودی در این‌زمینه ویژه‌نامه آسیب‌شناسی روایت راویان راهیان نور در شماره ۵۳ فصلنامه نگین منتشر شد.

### راه‌اندازی سایت نگین

**ایران و عرضه فراگیر نسخه دیجیتال فصلنامه**  
سؤال: با توجه به تیراژ کم فصلنامه نگین ایران، آیا برای دسترسی عموم جامعه به نسخه‌های این نشریه تدبیری اندیشیده‌اید؟ آیا برای این فصلنامه درگاه فروش اینترنتی مجلات چاپی یا وبگاهی راه‌اندازی شده است؟  
دکتر اردستانی: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پس از جنگ، همواره مانند سایر بخش‌های سپاه پاسداران دچار محدودیت‌های مالی بوده است، اما فرماندهان مختلف که در رأس سپاه بودند، از زمان پایان یافتن

نظامی آن را نقد و بررسی کرد. از دیگر موضوعات اساسی، مقوله فرماندهی جنگ می‌باشد. فرماندهی یک مؤلفه مهم و ناشناخته جنگ عراق و ایران است که درباره آن پژوهش جدی انجام نشده است. اینکه چرا در دورانی که تجاوز عراق آغاز شد و در سال اول جنگ و دوران آقای بنی‌صدر، چهار عملیات ارتش شکست خورد؟ چرا در سال دوم به بعد، در جنگ تحول ایجاد شد؟ فرماندهی در جنگ عراق و ایران باید بررسی و تعریف شود. همچنین راهکارهای جدید در پیش گرفته شده برای دگرگون کردن وضعیت جنگ تبیین گردد. بنابراین، در بررسی مقوله فرماندهی جنگ، متغیرهای زیادی را باید مورد توجه قرار دهیم. موضوع اساسی دیگر، نیروهای بسیج به‌عنوان عنصر شناخته‌نشده جنگ عراق و ایران است. به‌رغم تبلیغات و شعارهای گسترده درباره بسیج، هیچ‌کس نمی‌داند بسیج چیست. چیستی بسیج در بررسی عملکردش در صحنه نبرد قابل استخراج است. موضوع مهم بعدی بررسی نقش یگان‌ها و قرارگاه‌ها در جنگ است. در شماره اخیر فصلنامه، عملکرد لشکر ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup> سپاه، به‌عنوان مهم‌ترین لشکر جنگ عراق و ایران، در یک ویژه‌نامه به‌طور اختصاصی بررسی شد. در واقع، در این ویژه‌نامه ما دو شماره را با هم ادغام و منتشر کردیم؛ یعنی حدود ۲۸۰ صفحه مجله به این لشکر اختصاص داده شد. در آینده نیز شماره‌هایی به یگان‌هایی نظیر لشکرهای ۸ نجف، ۱۰ سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، ۲۵ کربلا، ۲۷ حضرت رسول<sup>(ص)</sup>، ۳۱ عاشورا و ۴۱ تارالله اختصاص خواهد یافت. در مورد واحدهای تخصصی نظیر مهندسی، تدارکات، شنود، مخابرات و... نیز ویژه‌نامه‌هایی منتشر خواهد شد. در آینده همچنین در شماره‌هایی عملکرد قرارگاه‌های حمزه

**دکتر حسین اردستانی:**  
اگر هر پاسدار ۵ درصد هم از مطالب فصلنامه نگین استفاده می‌کرد، در طول چهار، پنج سال، دفاع مقدس جزء پوست و گوشت و استخوانش می‌شد، اما این کم توجهی باعث شد که انتشار فصلنامه داشته محدود باشد.

از بین برود که نمونه برجسته و بارز آن، نوارهاست که ما بعد از ۳۵ سال، تازه در حال دیجیتال کردن آنها هستیم. البته سردار جعفری چند بار به من گفتند که شما یک هیئت‌مدیره مناسب تشکیل بدهید که مرکز را گسترش بدهد که در این باره یک مقدار من سستی کردم و بعد از اینکه هیئت‌مدیره را تشکیل دادیم، بودجه بیشتری به مرکز اختصاص داده شد و مشکلات تا حدود زیادی حل شده است.

اما درباره بخش دوم سؤال شما، همان‌طور که پیش‌تر عرض کردم، به نظر من، ما در سپاه پاسداران از جنگ عراق و ایران و درس‌ها و دستاوردهای آن در غفلت بزرگ به سر می‌بریم؛ دلایل این است که جنگ ایران و عراق موضوع اصلی جامعه‌پذیری سپاه نیست، که باید باشد. توانمندی‌های سپاه در دوران دفاع مقدس، باید در همه بخش‌های سپاه مورد توجه قرار گیرد؛ در غیر این صورت، سپاه در آینده دچار انقطاع حافظه تاریخی می‌شود و این آسیب بزرگی را متوجه سپاه پاسداران خواهد کرد. هویت سپاه باید انتقال پیدا کند. اگر نسل‌های بعد از دوران دفاع مقدس، با این روندی که گفتم جامعه‌پذیر می‌شدند، الان فصلنامه ما ۱۰۰۰ نسخه چاپ نمی‌شد؛ بلکه ۱۰ هزار نسخه چاپ می‌شد و در همه سپاه‌های استانی توزیع می‌شد و اگر هر پاسدار ۵ درصد هم از نگین ما استفاده می‌کرد، در طول چهار، پنج سال، دفاع مقدس جزء پوست و گوشت و استخوانش می‌شد، اما این غفلت باعث شد که ما انتشار محدود فصلنامه داشته باشیم. البته فصلنامه نگین ایران در سطح فرماندهان دفاع مقدس توزیع می‌شود و ما برای این اینکه فصلنامه نگین در همه استان‌ها در دسترس

جنگ تا به امروز، همواره از مرکز حمایت کرده‌اند و به نظر من، توانایی مدیران مرکز موجب افزایش یا کاهش آن حمایت‌ها بوده است. چه شخص سردار رضایی، چه سردار صفوی و چه دوران سردار سرلشکر عزیز جعفری، حمایت‌های معنوی و مادی بسیاری از مرکز شده است. به عقیده بنده، حمایت‌های معنوی مهم‌تر از حمایت‌های مادی است و اگر حمایت معنوی، که از نفوذ و اعتبار فصلنامه نشئت می‌گیرد، نباشد، حمایت‌های مادی هم چندان راه به جایی نمی‌برد. ما در دوره هشت‌ساله گذشته، همیشه با محدودیت‌های خاص خودمان مواجه بوده‌ایم، اما محدودیت‌های مالی آن قدر زیاد نبود که ما را دچار پس‌رفت پژوهشی بکند. البته اگر این توان‌ها دو، سه برابر بود، ما کارهای بیشتری می‌کردیم، ولی بالاخره این مقدار متوسط برای ما تأمین شده و ما بیش از آن هم عمل کردیم. به خصوص باید اذعان کنم که در دوران چهار، پنج‌ساله تحریم، مرکز بهترین وضع را در ساختار سپاه داشته است. اگرچه ما به سمت ایده‌آل‌هایمان آن‌طور که می‌خواستیم حرکت نکردیم، ولی از نظر بودجه، ستاد سپاه در سطح قابل‌قبول و حتی بالاتر از توقع مرکز هزینه‌ها را تأمین کرد تا کارهای پژوهشی مرکز متوقف نشود. در هیچ‌کدام از بخش‌های پژوهشی مرکز، مثل روزشمار، تاریخ شفاهی، اطلس، کتاب‌های نبردی و نیز نشریه نگین با بحران بودجه مواجه نبوده‌ایم، اما بیشترین تأثیر منفی کمبود بودجه متوجه بخش اسناد مرکز بوده و بنده در نامه‌ای به فرمانده کل سپاه سردار جعفری، نوشتم که با این وضع احتمال دارد بخشی از دارایی‌ها اصلی مرکز و گنجینه‌های دفاع مقدس



به جنگ ایران و عراق علاقه دارند، به مقالات دانشگاهی اقبال کمتری نشان می‌دادند، اما در مقابل، وقتی فصلنامه نگین در دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها توزیع می‌شد، بخش مقالات دانشگاهی برای دانشگاهیان جذابیت بیشتری داشت. این امر ما را دچار تعارض می‌کرد و باعث می‌شد که در هیچ‌کدام از این دو بخش به‌طور عمیق نتوانیم وارد بشویم. از این‌رو، به تدریج با کاهش مقالات به سبک دانشگاهی، فصلنامه نگین را به سمت تخصصی شدن پیش بردیم و برای مقالات دانشگاهی درصدد راه‌اندازی مجله جدیدی برآمدیم که با درج پژوهش‌های علمی در حوزه دفاع مقدس، به رشته‌های دانشگاهی علوم انسانی در سطح ملی ورود کنیم تا بیشتر، اساتید و دانشجویان رشته دکترا و کمتر دانشجویان فوق‌لیسانس دانشگاه‌ها در این بخش فعال شوند. لذا نشریه جدیدی را طراحی و منتشر کردیم. اولین شماره پژوهش‌نامه دفاع مقدس در بهار سال ۱۳۹۱، منتشر شد. در این فصلنامه، اساتید و دانشجویان در رشته‌های تاریخ، علوم سیاسی، اقتصاد، جغرافیا، ژئوپلیتیک و حتی روان‌شناسی و سایر رشته‌ها با رویکرد دانشگاهی به جنگ مقالات خود را ارائه می‌دهند و مرکز نیز آنها را منتشر می‌کند.

در ۱۱ شماره پژوهش‌نامه دفاع مقدس، حدود ۷۰ مقاله منتشر کرده‌ایم که همه آنها در سطح مقالات علمی - پژوهشی هستند.

مهم‌ترین مشکلی که در مورد پژوهش‌نامه دفاع مقدس وجود دارد، نبود همکاری لازم از سوی وزارت علوم است. در حال حاضر، سطح مقالات

فرماندهان و رزمندگان قرار گیرد، سایت فصلنامه نگین ایران را به آدرس [WWW.NEGINIRAN.IR](http://WWW.NEGINIRAN.IR) ایجاد کرده‌ایم و همه فایل‌های ۵۳ شماره منتشرشده فصلنامه نگین را از ابتدا تا به امروز، در آن بارگذاری کرده‌ایم و فرماندهان و رزمندگان و پژوهشگران با مراجعه به این سامانه، هم می‌توانند از محتوای مقالات تألیفی و اسنادی نگین بهره‌مند شوند و هم می‌توانند موضوع پیشنهادی و پورپوزال خود را ارائه کرده و پس از تأیید، اقدام به تهیه مقالات و چاپ آن در فصلنامه نگین ایران کنند.

### انتشار مجله پژوهش‌نامه دفاع مقدس و استفاده از ظرفیت دانشگاهی در بررسی موضوعات جنگ

سؤال: به‌عنوان آخرین سؤال، از جمله فصلنامه‌هایی که مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در سطح مجلات علمی - پژوهشی چند سالی است منتشر می‌کند، پژوهش‌نامه دفاع مقدس است. در مورد رویکرد این فصلنامه به‌اختصار توضیحاتی بفرمایید.

دکتر اردستانی: انتشار پژوهش‌نامه دفاع مقدس به نوع نگاه مرکز به جهت‌گیری فصلنامه نگین ایران مربوط می‌شود؛ یعنی وقتی ما تصمیم گرفتیم فصلنامه نگین ایران با متمرکز شدن بر پژوهش و مقالات جنگ ایران و عراق و همچنین گزارش‌ها و اسناد به‌صورت یک نشریه تخصصی دفاع مقدس درآید، به تدریج، از میزان مقالات به سبک دانشگاهی و علمی در فصلنامه نگین ایران کاسته شد و در شماره‌های بعد به‌طور کلی این مقالات حذف شدند. فرماندهان، رزمندگان و مخاطبان که

اکبرپور: ضمن تشکر از شما، در پایان اگر نکته‌ای هست، به‌عنوان حسن ختام بفرمایید.

دکتر اردستانی: در صحبت مبسوطی که درباره فصلنامه داشتیم، مطالب فراوانی را یادآور شدم، فقط یک نکته را مایل هستم اضافه کنم و آن اینکه، نسل جدید مرکز که در آینده، کارشناسان و تاریخ‌نگاران مرکز هستند، باید درک عمیق‌تری از نشریات و پژوهش‌های مرکز داشته باشند و بدانند در آینده این دو نشریه باید با کیفیت لازم و اخذ درجه علمی منتشر شوند تا پژوهش‌های دفاع مقدس در کشور گسترش یابد. نکته دوم، در آینده مدیرانی که در مرکز روی کار می‌آیند؛ چه در رأس مرکز، چه رده میانی، باید توجه داشته باشند که با نگاه سطحی، برای این دو نشریه تصمیم نگیرند. انتشار دو نشریه کار بسیار سختی است، سختی کار یا درک‌های جزئی و سطحی باعث نشود که انتشار فصلنامه‌های مرکز متوقف بشود. علاوه‌براین، مرکز نباید به‌سمت زندگینامه‌نویسی و خاطره‌گویی ... برود. مرکز باید همچنان تا سال‌های سال در حوزه تخصصی خود حرکت کند.

و نکته آخر اینکه، تا روزی که بنده مسئول مرکز هستم، این هدف، که تاکنون در عمل محقق نشده است، در مرکز دنبال خواهد شد و آن هم انطباق بین دفاع مقدس و نیازهای امروز و فرداست؛ بدین معنا که با ایجاد پیوند میان مباحث دیروز و امروز، به‌سمت کاربردی‌شدن معارف دفاع مقدس گام خواهیم برداشت که البته کار بسیار سختی است. اکبرپور: از اینکه فرصت دادید تا با شما درباره فعالیت‌های مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در حوزه نشریات گفت‌وگو کنیم تشکر می‌کنم.

پژوهش‌نامه دفاع مقدس علمی - پژوهشی است و ما برای گسترش ادبیات دفاع مقدس نیازمند اخذ درجه علمی - پژوهشی هستیم، زیرا امروز یک دانشجوی دکترا که می‌خواهد از پایان‌نامه خود دفاع کند باید مقالات علمی - پژوهشی داشته باشد یا یک استاد برای ارتقای مرتبه علمی خود باید مقاله علمی - پژوهشی چاپ کند. ما بستر را برای ورود اساتید دانشگاه فراهم کرده‌ایم، اما قوانین وزارت علوم دست‌وپای ما را بسته است. همین ۷۰ مقاله را بیش از ۶۰ تن از اساتید دانشگاه و دانشجویان دکترا نوشته‌اند. تا به حال، ۱۱ شماره از پژوهش‌نامه دفاع مقدس منتشر شده و تا آخر سال جاری، دو شماره دیگر هم منتشر می‌کنیم.

آسیب مستمر در راه فعالیت پژوهش‌نامه دفاع مقدس نداشتن درجه علمی - پژوهشی است. بنده در جلسه‌ای با آقای دکتر شریفی مدیرکل نشریات علمی، به ایشان تأکید کردم که ما در صدر پژوهش‌های حوزه دفاع مقدس هستیم و این اقدام ما باعث می‌شود که یک استاد مقاله بدهد و دانشجویان او هم ترغیب شوند که برای پژوهش‌نامه مقاله بنویسند و این امر به تدریج بستر مناسبی را برای مشارکت فعال‌تر دانشجویان دانشگاه‌های تربیت مدرس، تهران، علامه، شهید بهشتی و دانشگاه‌های بزرگی مثل شیراز، اصفهان و تبریز و نیز برای دانشگاه آزاد اسلامی فراهم می‌کند. با افزایش مقالات در رشته‌های تاریخ، علوم سیاسی و علوم اجتماعی در یک فرایند تدریجی، تولید و انباشت محتوا و دانش در حوزه دفاع مقدس گسترش پیدا می‌کند و این دلیل اصلی انتشار پژوهش‌نامه دفاع مقدس است.